

سرمقاله

اگر جامعه تغییر کرده، چرا قواعد سینما تغییر نمی‌کند؟



امیر افشارفتوحی

دبیر تحریریه

این روزها کمتر مسئولی را می‌توان یافت که تغییرات عمیق جامعه ایران را انکار کند. از دگرگونی نسل‌ها و سبک زندگی گرفته تا تحول در الگوهای ارتباطی و ضرورت گفت‌وگو با نسل جوان، همه‌جا از «تغییر» سخن گفته می‌شود. همه پذیرفته‌اند که ایران امروز، ایران ده سال پیش نیست. با این حال، یک پرسش همچنان پابرجاست: اگر این تغییرات به رسمیت شناخته شده، چرا در سازوکارهای سینما و فرهنگ بازتاب روشنی ندارند؟

مسئله اصلی این نیست که درک از تغییر وجود ندارد؛ بلکه فاصله میان «درک تغییر» و «پذیرش پیامدهای آن» است. در سطح گفتار، تحولات اجتماعی پذیرفته شده‌اند، اما در سطح سیاست‌گذاری فرهنگی، همچنان ردپای الگوهای گذشته دیده می‌شود.

از یک سو درباره تغییر نسل‌ها و ضرورت توجه به نسل جدید صحبت می‌شود، اما در عمل، شکاف زبانی و ادراکی میان مدیران فرهنگی و نسل تازه در بسیاری از تصمیم‌ها خود را نشان می‌دهد؛ از نوع مواجهه با روایت‌های جوانانه گرفته تا انتخاب سوزها و زبان فیلم‌ها. همچنین از تکرار اجتماعی سخن گفته می‌شود، اما این تکرار در مرحله اجرا اغلب در چارچوب‌های محدود و از پیش تعریف شده قابل پذیرش است.

در نتیجه، نوعی دوگانگی شکل گرفته است؛ پذیرش مفهومی تغییر در سطح نظری، در برابر احتیاط و محدودسازی در سطح اجرا.

سال‌هاست از سینمای اجتماعی سخن می‌گوییم، اما مسیر رسیدن به واقعیت اجتماعی همچنان برای فیلمساز ساده نیست. عبور از لایه‌های مختلف تفسیر، ملاحظات و حساسیت‌ها، فاصله میان سینما و زیست واقعی جامعه را حفظ کرده است.

در همین سال‌های اخیر، هرگاه فیلم‌هایی توانسته‌اند بی‌واسطه‌تر به مسائل روزمره مردم نزدیک شوند - از فشارهای اقتصادی و روابط فرسوده خانوادگی تا شکاف‌های طبقاتی - با واکنش مثبت مخاطبان روبه‌رو شده‌اند. این استقبال نشان می‌دهد مسئله اصلی کمبود مخاطب نیست، بلکه محدود شدن امکان روایت است.

از سوی دیگر، تجربه‌های اجتماعی گسترده‌تری نیز در جامعه رخ داده که کمتر به زبان سینما ترجمه شده‌اند. از جمله نوعی همبستگی اجتماعی در مواجهه با بحران‌های اخیر، که ظرفیت‌های مشترک جامعه را برجسته کرد. با این حال، این تجربه‌های جمعی هنوز به طور منسجم وارد روایت‌های سینمایی نشده‌اند و بیشتر در سطح اشاره باقی مانده‌اند.

تناقض در همین نقطه آشکار می‌شود؛ در سطح گفتار، بر تنوع و تکرار تأکید می‌شود، اما در عمل، هر روایتی که زاویه‌ای متفاوت ارائه کند با مقاومت‌هایی روبه‌رو است. نتیجه آن است که تغییر پذیرفته می‌شود، اما نه تا جایی که ساختارها را دگرگون کند. در واقع، بحران کنونی سینمای ایران بیش از آنکه اقتصادی باشد، مسئله‌ای ساختاری و ادراکی است. جامعه با سرعت بیشتری تغییر کرده، اما بخشی از نظام تصمیم‌گیری فرهنگی همچنان با منطق گذشته عمل می‌کند.

هیچ جامعه‌ای با حذف واقعیت‌های خود به انسجام فرهنگی نمی‌رسد. برعکس، انسجام زمانی شکل می‌گیرد که تصویر جامعه در آینه فرهنگ، کامل و چندلایه باشد؛ با همه تضادها، امیدها و تنش‌هایش. هرچه این آینه محدودتر شود، تصویر واقعی‌تر نمی‌شود؛ فقط ناقص‌تر خواهد شد.

البته باید به نشانه‌های مثبت نیز اشاره کرد. در مقایسه با برخی دوره‌های گذشته، فضای گفت‌وگو میان مدیران و سینماگران بازتر شده و برخی آثار اجتماعی امکان دیده شدن پیدا کرده‌اند. این‌ها نشانه تغییر هستند، اما هنوز در حد آغاز مسیر باقی مانده‌اند.

در نهایت، مطالبه اصلی سینمای ایران نه افزایش حمایت‌های مقطعی است و نه صرفاً بهبود شرایط اقتصادی. آنچه ضرورت دارد، بازنگری در قواعد، شفافیت در تصمیم‌گیری و انطباق سازوکارها با واقعیت‌های جدید جامعه است. اگر تغییر پذیرفته شده است، باید در ساختارها نیز دیده شود؛ وگرنه فاصله میان جامعه و سینما، روز به روز عمیق‌تر خواهد شد.

الناز شاکردوست با «مثل یک راز» به نمایش خانگی آمد

فیلم کوتاه «مثل یک راز» به نویسندگی و کارگردانی سعید زمانیان و تهیه‌کنندگی حسن محمدی، پس از حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، به شبکه نمایش خانگی رسید.

این اثر که در رویدادهای مختلف خارجی نمایش داده و مورد توجه قرار گرفته بود، در پلتفرم فیلم‌و منتشر شده است.

«مثل یک راز» درامی انسانی و احساسی است که داستان باران، دختر بچه‌ای ۹ ساله را روایت می‌کند که پس از تجربه تروما، در مرز میان رویا و واقعیت زندگی می‌کند.

الناز شاکردوست در نخستین تجربه حضور خود در یک فیلم کوتاه، همراه با سپیده دستینه، ترنم آهنگر، منصور نصیری و ساحل نامور در این اثر ایفای نقش کرده است.



صباخبر

کودکان میناب سوزده جدید محمدی و خواجه‌پاشا شدند

محمد ساسان، مدیر مرکز تولیدات سینمایی سوره، از ساخت فیلمی جدید با محوریت کودکان شهید میناب خبر داد. به گفته او، سازمان سینمایی سوره در همکاری با منوچهر محمدی، تهیه‌کننده

پیشکسوت سینمای ایران، و بابک خواجه‌پاشا، کارگردان سینما، پروژه‌ای تازه را پس از تجربه موفق فیلم «سرزمین فرشته‌ها» آغاز کرده است.

ساسان اعلام کرد این فیلم با نام موقت «۱۶۸» ساخته می‌شود و همانند «سرزمین فرشته‌ها» با نگاهی فرامرزی و با هدف ارتباط با مخاطبان جهانی تولید می‌شود.

وی افزود: در حال حاضر مراحل تحقیق و پژوهش و تعامل با عوامل برای رسیدن به فیلمنامه در حال انجام است و جزئیات بیشتر این پروژه به‌زودی اعلام می‌شود.



ایرنا

گفت‌وگو با زهرا کیانی، داور برنامه «کاپیتان»

هر استعداد ورزشی یک فرصت برای آینده ایران است

برنامه نیز اظهار کرد: در حال حاضر پیام‌های فراوانی از نقاط مختلف کشور دریافت می‌کنم. افراد زیادی مشتاق هستند در چنین برنامه‌هایی حضور پیدا کنند. استعدادشان دیده شود و فرصت معرفی توانایی‌های خود را داشته باشند. نکته جالب این است که هر کدام از این استعدادها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند و نشان می‌دهند ظرفیت‌های انسانی ورزش ایران تا چه اندازه گسترده است.

کیانی ادامه داد: به باور من، کشور ما از استعدادهای فراوانی در حوزه ورزش برخوردار است. اگر سرمایه‌گذاری مناسب روی این ظرفیت‌ها صورت بگیرد و روندی که «کاپیتان» آغاز کرده ادامه پیدا کند، می‌توان به آینده ورزش کشور امیدوار بود و شاهد ظهور چهره‌های جدید در رشته‌های مختلف بود.

داور «کاپیتان» درباره همکاری با هادی چوپان و پژمان درستکار نیز گفت: همکاری با این دو چهره برجسته ورزش ایران تجربه بسیار خوبی برای من بود. از حضور در کنار آنها نکات زیادی آموختم. تجربه ورزشی آنها بسیار بیشتر از من است و از نظر سنی نیز بزرگ‌تر هستند؛ به همین دلیل این همکاری فرصتی ارزشمند برای یادگیری و کسب تجربه محسوب می‌شود.

وی در پایان درباره شیوه داوری در برنامه توضیح داد: تلاش می‌کردیم همواره اطلاعات خود را به‌روز نگه داریم و پیش از اجرای هر رشته ورزشی روی صحنه، شناخت کافی نسبت به آن به دست آوریم. هدف ما این بود که داوری‌ها با دقت و انصاف انجام شود تا حقی از هیچ شرکت‌کننده‌ای ضایع نشود و همه افراد در شرایطی برابر مورد ارزیابی قرار گیرند.



در سال‌های اخیر، برنامه‌های استعدادیابی ورزشی به یکی از مهم‌ترین مسیرهای کشف چهره‌های جدید در ورزش کشور تبدیل شده‌اند. برنامه «کاپیتان» نیز با تمرکز بر شناسایی استعدادهای نوجوان و جوان در رشته‌های مختلف ورزشی، تلاش کرده پلی میان ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده مناطق مختلف کشور و فرصت‌های حرفه‌ای ورزش ایجاد کند. حضور قهرمانان و مربیان شناخته‌شده در مقام داور، بر اهمیت این برنامه افزوده و باعث شده بسیاری از خانواده‌ها و ورزشکاران جوان آن را فرصتی برای دیده شدن بدانند. زهرا کیانی، قهرمان ووشو و یکی از داوران این برنامه، معتقد است «کاپیتان» توانسته توجه بیشتری را به استعدادهای ورزشی کشور جلب کند و انگیزه تازه‌ای برای نسل جدید ورزشکاران به وجود آورد.

زهرا کیانی، داور برنامه «کاپیتان» درباره نقش این برنامه در شناسایی استعدادهای ورزشی گفت: «کاپیتان» به دیده شدن و معرفی استعدادهای بسیار زیادی در سراسر کشور کمک کرد. به نظر من این برنامه برای کودکانی که به ورزش علاقه‌مند هستند و همچنین نوجوانانی که قصد ورود به عرصه حرفه‌ای ورزش را دارند، انگیزه ایجاد کرده است. وی افزود: این برنامه به نوعی این اطمینان را به جامعه ورزشی می‌دهد که ورزش در کشور به تدریج بیشتر دیده می‌شود و جایگاه گسترده‌تری در رسانه‌ها پیدا می‌کند. اگر این مسیر ادامه داشته باشد و حمایت‌های لازم از آن صورت گیرد، می‌توان در سال‌های آینده شاهد نتایج بسیار ارزشمندتری بود. این قهرمان ووشو درباره بازخوردهای

مهر

۵۰ سالگی «راندنه تاکسی» و حس جهانی تنهایی

مارتین اسکورسیزی، رابرت دنیرو، جودی فاستر و پل شریدر در جشنواره تریبیکا در نمایش ویژه فیلم «راندنه تاکسی» به مناسبت پنجاهمین سال ساخت این اثر حضور یافتند.

این فیلم کلاسیک اسکورسیزی که پنج دهه از اکران آن می‌گذرد همچنان از نگاه منتقدان و سازندگان اثری مرتبط با زمان حال توصیف می‌شود.

در نشست پس از نمایش، اسکورسیزی با اشاره به تجربه‌های شخصی خود از دهه ۱۹۷۰، فضای فیلم را بازتابی از

تنهایی و خشونت پنهان آن دوران دانست. او گفت ایده مرکزی فیلم ریشه در احساسی جهانی از انزوا دارد که هنوز هم در جهان امروز قابل لمس است. رابرت دنیرو نیز با اشاره به شخصیت تراویس بیگل، او را نمادی از انسان‌های تنها پس از بحران‌های اجتماعی دانست. جودی فاستر نیز تأکید کرد که جذابیت شخصیت را ناتوانی او از درک خود نهفته است. پل شریدر نیز فیلمنامه را تجربه‌ای پرتنش توصیف کرد که از ابتدا با حس تنهایی و فروپاشی اجتماعی شکل گرفته بود.



مهر

«قربانی» دمین شزل یک گام جلوتر رفت

فیلمبرداری فیلم جدید دمین شزل که از ۱۷ مارس در آتن آغاز شده بود به پایان رسیده و این پروژه اکنون وارد مرحله پس از تولید شده است؛ بنابراین احتمال حضور آن در جشنواره ونیز امسال بعید به نظر می‌رسد.

این فیلم با عنوان موقت «قربانی» با بازی کیلین مورفی، دنیل کریگ، میشل ویلیامز و میا تریپل‌تون ساخته شده است. هرچند این عنوان هنوز نهایی نیست و پیش‌تر با عنوان «فیلم زندان بدون نام دمین شزل» شناخته می‌شد.

با توجه به اینکه تولید آن بر عهده پارامونت است، انتظار می‌رود اکران فیلم برای سال ۲۰۲۷ برنامه‌ریزی شود و احتمال حضور آن در جشنواره کن نیز مطرح است. داستان فیلم در دهه ۱۹۴۰ می‌گذرد و درباره رئیس زندانی است که تلاش می‌کند یک زندانی سرکش را در سیستم اصلاحی خشن تنبیه کند، اما رابطه آن‌ها به یک رویارویی روانی تبدیل می‌شود و فضای فیلم به سمت تنش و درگیری ذهنی پیش می‌رود.



مهر